

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۰ جون ۲۰۱۵

مجلس هجدهم (درجهاد بانفس و شیطان)

شیخ عبدالقادر (رضی الله عنه)، در بامداد روزیکشنبه شانزدهم ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری در مدرسه فرمودند: خداوند ترا از دینوع جهاد باخبر کرده است، یکی جهاد ظاهری و دیگری جهاد باطنی. جهاد باطنی عبارت است از مبارزه بانفس وشهوات وتوبه از گناهان، و پایداری بر آن، وترک آرزوهای نفسانی ومحرّمات. جهاد ظاهرنیز عبارت است از مبارزه بادشمنان خدا و پیغمبر وتحمل رنج شمشیر ونیزه آنان، می کشند وگشته می شوند. اما جهاد باطن از جهاد ظاهر سخت تر ودشوارتر است، زیرا این جهاد همیشگی است. چرا دشوارتر نباشد؟ درحالی که مجاهد در این میدان باید بآنچه نفس بدان خو گرفته است قطع رابطه کند، از منهیات ومحرّمات دوری نماید، و اوامر شرع را اجراء کند. هر کس قادر به انجام این دوجهاد شد، پاداش دوجہانش مسلم خواهد بود.

زخمهای بدن شهید، به سان زخمی است که به علت خون گرفتن از بدن (حجامت)، ایجاد شده باشد، رنجی و دردی ندارد، بلکه سودمند است ونافع. وشهادت برای مجاهد راه خدا، مانند آب گوارائی است که تشنه بدن دسترسی پیدا کند.

(باقوم) شمارا به چیزی مجبور نکرده وبه اجبار چیزی نمی ستانم، مگر آن که بهتر از آن را به شما عطا کنم. مراد من در تمام احوال امر به معروف ونهی از منکر است با خلوص قلب ومخالفت بامنافقین که دشمنان خداورسول خدایند، آنانی که به علت جهل ونادانی وعناد نسبت به ذات حق سزاوار به آتشند. چگونه به آتش عذاب گرفتار نشوند، درحالی که بنده آرزوها وشهوات نفسانی اند، دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند، و در مخالفت اوامر حق کوشا هستند، چگونه به آتش عذاب الهی دچار نشوند، که این قرآن رامی شنوند وبه آن ایمان نمی آورند وبه امر ونهی آن گردن نمی نهند؟

(ای قوم) بدین قرآن بگروید، وبه دستورات آن با اخلاص عمل کنید، ریا ونفاق را از اعمالتان دورنمائید، از مردم درخواست مدح وستایش مکنید، واز آنان انتظار عوض وپاداش نداشته باشید. افراد کمی از مردم بدین قرآن ایمان دارند، و کمتر به فرامینش عمل می کنند، لذا مخلصین اندک ومنافقین فراوانند.

چه چیز شمارا در انجام عبادات سست کرده است، وبر اطاعت نفس وشیطان نیروبخشیده است؟ گروه مؤمنان، درخواستشان اینست که خداوند توفیقشان دهد که از انجام تکالیف حق غافل نباشند، چون می دانند صبر در انجام تکالیف و تسلیم در برابر مقدرات، دارای اجر دنیوی و آخروی است. پس در تمام دگرگونیهای روزگار، باری باصبر، باری باشکر، باری باقرب، باری بابعد ودوری، بارنج وسختی، با آسایش وراحت، سازگارند. در توانگری و درویشی، در سلامت و بیماری، کاملاً تسلیم خدایند، وتام آرزویشان اینست که همواره مہر حق را در دلہای خود حفظ نمایند. و این مهمترین مسأله است در نظر آنان. همواره سلامت قلب خودودیگران راتمنای می کنند ومصالح خلق را از درگاه خداوند می طلبند.

(یاغلام) صحیح و فصیح باش، صحیح درداوری، و فصیح در علم، صحیح در باطن و فصیح در ظاهر. جمیع سلامت‌ها در اجرای امر حق است، و آن به جای آوردن کلیه اوامر و خودداری از منہیات، و صبر و بردباری در مقابل قضاء و قدر الهی است.

هر کس خدا را بخواند (نه غیر او را) جواب داده می‌شود، هر کس خدای را اطاعت کند، همه مردم او را مطیع خواهند بود.

(یاقوم) نصیحتم را بپذیرید، که من دلسوز شمایم. در جہتی که در آن هستیم، خواستار گشایش برای خود و شما هستیم. مرا متهم نکنید، زیرا آنچه را که برای خود می‌خواهم برای شما نیز خواهانم. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است:

«لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ مِنْ إِيْمَانِهِ حَتَّى يُرِيْدَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ مَا يُرِيْدُهُ لِنَفْسِهِ»-- (مؤمن ایمان خود را کامل نمی‌کند، مادام آنچه را که برای خود می‌خواهد برای برادر مسلمان نیز بخواهد).

این گفتار امیر و رئیس و بزرگ و پیشوا و شافع مامی باشد، که برتر تمام رسولان و صدیقین از زمان آدم علیه السلام تا روز قیامت می‌باشد. ایمان کامل را از کسی که آنچه را برای خود می‌خواهد برای دیگران نخواهد، نفی نموده است. هر گاه برای خویش بهترین خوراکیها، بهترین لباسها، بهترین مسکن و بهترین حالات و فراوانی مال و دارائی را می‌خواهی، اما برای برادر مؤمنت خلاف آنها در طلب می‌کنی، در ادعای ایمان کامل، دروغگو هستی.

ای غافل، همسایه ات نیازمند است، اطرافیان فقیرند، زکات شرعی بر عهده ات است و هر روز سودی برسودهایت افزوده می‌شود، که از نیاز بسیار بیشتر است. پس این که به آنان توجه نداری و تنها در اندیشه خود هستی، دلیل است بر آن که به گرفتاریشان خشنود و راضی می‌باشی، زیرا هوای نفس و کثرت آمال و آرزوها و حب دنیا، و نیروی حرص و آز تمام وجودت را فرا گرفته اند و انجام اعمال خیر را برایت سخت و دشوار گردانیده اند.

هر آنکس میل و رغبتش به دنیا زیاد باشد، و مرگ را فراموش کند، لقاء الله را از یاد ببرد، و بین حلال و حرام فرق نگذارد، مانند کافرانی است که حق تعالی درباره آنان فرموده: «**مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَى وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ**»-- (حیات ما جز این زندگی دنیوی نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و غیر از روزگار چیزی ما را هلاک نمی‌کند. سوره جاثیه آیت ۲۴). گویا یکی از آنانی، منتهی تظاهر به اسلام می‌کنی و شهادتین را بر زبان می‌آوری. در انجام نماز و روزه، به صورت عادت نه عبادت، سایر مسلمانان را همراهی می‌کنی. نزد دیگران خود را پرهیزکار نشان می‌دهی، در حالی که قلبت فاجر و گناهکار است و قطعاً این عمل سودی را برایت در پی نخواهد داشت.

(یاقوم) گرسنگی و تشنگی در روز و افطار بالقمه حرام در شب چه سودی به شما می‌رساند؟ روز را روزه می‌دارید، و به شب به گناه و عصیان مشغول می‌شوید. ای خوردندگان حرام! در روز خود را از خوردن و آشامیدن بازمی‌دارید، ولی شبانگاه با خون مسلمین افطار می‌کنید!! پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده: «**لَا تُحْدِلُ أُمَّتِي مَا عَظَّمُوا شَهْرَ رَمَضَانَ**»-- (هر آنکس از امت من که ماه رمضان را بزرگ شمارد خوار نمی‌شود). بزرگداشت ماه رمضان عبارت است از: روزه دار بودن همراه با تقوا و حفظ حدود شرع.

(یاغلام) روزه بگیر، ولی در آنچه خداوند به تو اعطا کرده است فقراء و درویشان را با خود شریک کن، تنها خوار مباش، زیرا کسی که با استفاده از نعم به تنهایی خود گرفته باشد، باید از فقر و تنگدستی بترسد.

(یاقوم) شما می‌خورید و همسایه تان گرسنه است، و ادعای ایمان هم دارید! ایمان کسی که مازاد روزی (متوسط) خود و عائله اش را در اختیار داشته باشد، اما درمانده و سائل از در خانه او نومی‌د برگردد، کامل نمی‌گردد. به زودی از حال خویش باخبر خواهی شد. به زودی تونیز به سان آن درویش نومی‌د خواهی شد، و همچنان دست رد بسینه ات خواهند زد.

وای بر تو! آیا هرگز به قصد بخشش از جای برخاسته ای که قسمتی از آنچه را که در اختیار داری بذل فقراء کنی؟ دو حالت را در خود جمع کن، یکی تواضع در قیام، دیگر عطاء و بخشش در مال. پیغمبر ما محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) با دست خویش گدا را عطا می داد، شتر خود را خود علف می داد، گوسفندش را خود می دوشید، لباسش را وصله می زد، شمائی که در رفتار و گفتار از وی تبعیت نمی کنید، چگونه ادعای پیروی از او را دارید؟ ضرب المثلی است که می گویند: **یهودی خالص باش والا زیاد اظهار علاقه به تورات مکن**. پس من هم می گویم شرایط اسلام و مسلمانی را رعایت نمائید، وگرنه لاف مسلمانی نزنید.

رعایت شرایط و جوانب اسلام و اجرای حقیقت آن بر شما لازم و ضروری است، و آن رعایت و اجراء همانا تسلیم در برابر او امر حق عزوجل می باشد.

امروز دیگران را با خود برابر بدانید، تا فردا خداوند شمارا مشمول رحمت خود گرداند. به اهل زمین رحم کنید، تا آن که در آسمان است به شما رحم کند. در خاتمه می گویم، تاهمراه نفس هستید، و مادامی که در قید و بند حظ شهوات، بدین مقام نخواهید رسید.

نفس را از توجه زیاد به دنیا منع کن، و حقوقش را مطابق قواعد و قوانین شرع بپرداز، چون بالاخره هر انسانی نیازمند، خوراک و پوشاک و مسکن می باشد. منتهی باید اینها را کاملاً با رعایت موازین شرعی به دست آوری و با توجه به همان موازین مورد استفاده قرار دهی. آیا قول خدای عزوجل را نشنیده ای که فرموده است: **﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾** (آنچه را که رسول به شما عطا می کند بگیریید، و از آنچه که شمارا نهی می فرماید، خودداری نمائید. **سوره حشر آیت ۷**).

به اندک قناعت کن و نفست را بر آن متمکن نما، هرگاه به خواست خداوند، آنچه را که بیشتر از مورد نیازت بود، به تو رسید، باید که به مقدار کمی قناعت نمائی، تا موجب هلاکت نشود، حسن بصری رحمت خدا بر او باد، می گفت: مؤمن را یک مشت خمیر خشک، و جرعه ای آب کفایت می کند. مؤمن به قدر سدجوع می خورد، اما منافق از خوراک تمتع می گیرد. مؤمن از قوت و خوراک، به اندازه مسافری استفاده می کند، چه می داند منزلی که به آن خواهد رسید، کلیه نعم در آنجا موجود است. ولی منافق نه مقصد معینی دارد، و نه منزل مشخص در پیش.

این زیاده روی شبانه روزی که عمرت را به خاطر آن تلف می کنی چه سودی به تو می رساند؟

می بینم که در مورد دنیوی دچار غفلت و اشتباه نمی شوید، ولی در امر دین کاملاً بی بند و بارید، این نسبت را معکوس کنید تارستگار شوید. این دنیا برای کسی پایدار نبوده، برا شما نیز پایدار نخواهد بود.

(یا قوم) آیا از طرف خدا فرمان زندگی جاوید به شما داده شده است؟ چه ساده اندیشید! چه کسی حاضر شده است دنیا را به بهای ویرانی آخرت، آباد کند؟! و بعلت خشنودی خلق کاری کند که مورد قهر خداوند واقع شود. اگر می دانست و یقین داشت که به زودی خواهد مرد، و در پیشگاه خداوند حاضر می شود، و مورد محاسبه و رسیدگی قرار می گیرد، همانا از بسیاری از آرزوهایش می کاست. لقان حکیم رحمت خدا بر او باد، به فرزندش گفته است: همانگونه که بیمار می شوی و زمان بیماری شدنت را نمیدانی می میری و هنگام مرگ خورا نمی دانی.

شمارا بر حذر داشته و از ارتکاب سیئات بازمی دارم، ای کسانی که از انجام امور خیر غافلید و به دنیا مشغول، به زودی دنیایان بسر خواهد آمد، و آنچه را که جمع آوری نموده اید دیگر برایتان سودی نخواهد داشت، دیگر از لذایذ خبری نبوده، بلکه تمام آنچه را که بدان دل بسته بودید، و بال گردنتان می شود.

(یا غلام) بر تو لازم است به گفتاری که ممکن است ادامه آن موجب جدال بین تو و دیگران شود نپردازی.

اندکی از مردم شایستگی و صلاحیت آن را دارند که دیگران را به درگاه حق دعوت نمایند. آنان حجت حق اند بر مردم، هر چند دعوت ایشان را قبول نکنند. آنها برای مؤمنین نعمت اند، و برای منافقین و دشمنان خدا، رنج و عذاب.

بارخدايا مارابه برکت توحيد پاکيزه گردان، ووجودمان رابه واسطه برید ازخلق آنچه که غير ذات اقدس می باشد، معطر خوشبوی گردان. مافقط به درگاه تو روی می آوریم.

ای موحدین، ای مشرکین، چیزی در اختیار مردم نیست، همه عاجز و ناتوانند. پادشاهان و سلاطین، توانگران و درویشان عموماً درید قدرت الهی گرفتارند. دلهای همگان در دست اوست، هرگونه بخواد دگرگونشان می سازد. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

تن رافربه نکنید، شمارا خواهد خورد، همانگونه که کسی سگ درنده ای را بگیرد و پرورشش دهد، همین که بزرگ شد اورا خواهد درید. نفس را آزاد مگذارید، تیغ آن را تیز مکنید، زیرا روزی به سویتان کشیده خواهد شد، و به هلاک تان خواهد رسانید. بنیانش رابرکنید، و در ارضای شهوات رهاش نکنید.

خداوندا، برنفس پیروزمان گردان، و در مبارزه بآن یاریمان فرما.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار».